بدون مقدمه

برید کنار من اومدم

بدون هیچ مقدمه‌ای میرم سر اصل مطلب که در درجه اول مربوط به معرفی خودم هست و در درجه چهارم گیر دادن به خلق‌اللهی که کشاورز جماعت را اذیت می‌کنند.

چرا در درجه چهارم گیر دادن شروع میشه؟ خیلی ساده است، چون معرفی من طولانی است! نقطه سرخط

برید کنار که من اومدم. دوباره نقطه سر خط اسمم کیومرثه است، اما به غیر از مامان خانومم، مرحوم پدرم و البته عیال محترم کس دیگری منو به اسم کوچیک صدا نمی‌کنه. فامیلم‌ام به کسی مربوط نیست، اما تمام اهل محل از بالامحله گرفته تا پایین محله، کوچیک و بزرگ، پیر و جوون تا منو میبینن، میگن سلام کدخدا.

البته اینکه من چه جوری کدخدا شدم قصه‌اش هم یه خورده مفصله و هم اساساً به کسی مربوط نیست، اما به محض اینکه آقاجون خدا بیامرز که از اون کدخداهای مشدی و با معرفت بود، سرش را زمین گذاشت و از دنیا رفت، طی یک جلسه نه‌چندان دموکراتیک عنوان پرطمطراق آقاجون به من رسید و من شدم کدخدا. کدخدایی که البته جز چند هکتار زمین چیزی نداشت، چراکه آقاجونم قبل از مردنش به غیر از خونه، یه باغچه چند هکتاری و یه مزرعه بیست سی هکتاری، تمام داروندارش که چند پارچه آبادی بود را وقف کرده بود.

البته این را هم بگم که آقا جونم با تمام ثروتی که داشت هیچ‌وقت حق و ناحق که نکرد هیچ! بلکه هر آنچه از دستش برای هر کسی برمی‌آمد انجام می‌داد و هیچ زمانی هم حاضر به پذیرش لقب نازیبای «ارباب» نشد و کدخدایی را به همه چیز ترجیح می‌داد.

بخاطر همین وقتی هم که به رحمت خدا رفت تا چهل روز اهالی چند پارچه آبادی جوری شیون و زاری می‌کردند که انگار آقاجون خودشون مرده. ما هم که البته از همه جا بی‌خبر آنسوی دنیا مشغول عشق و حال که نه، مشغول کسب علم بودیم، یه وقت خبردار شدیم که گفتند آقاجون حالش خوب نیست و خودت را برسون.

ما هم تا شال و کلاه کردیم و رسیدیم دو سه روزی بیش‌تر به پایان عمر آقاجون باقی نمونده بود. توی این دوسه روز هم آقاجون بود و من و یک دنیا وصیت و نصیحت و مسوولیت.

خلاصه اینجوری شد که بنده شدم کدخدا و وارث به تخت بی‌تاج و کلی لوطی‌گری و معرفت بجامونده از آقاجون. اینارو گفتم که بدونید من هم بچه مایه‌دارم، هم سرم توی حساب و کتابه و هم به خاطر آقاجون هم که شده باید از حق مردم به‌خصوص کشاورز جماعت دفاع کنم. از اونجایی که هم از حقوق سر رشته کامل دارم و هم از کشاورزی، قلمرو کدخدایی را از بالادست بخش کشاورزی تا پایین دست کشاورزی بدون کسب اجازه از کسی و تنها به یاری خدا و نصیحت‌ها و وصیت‌های آقاجونم و البته حمایت‌های مردم می‌خواهم بگسترانم. پس از این به بعد هر کس در بالادست، میان‌دست و پایین‌دست بخش کشاورزی دست از پا خطا کنه و حقی از کشاورز و البته مصرف‌کننده ضایع کنه با من که نه، با این ستون طرفه.

استیضاح جدی‌شه استعفا میدی

بقیه مراسم معرفی باشه برای بعد و اما درجه چهارم. همین که ما کدخدا شدیم و اومدیم کار سرکشی را به قلمرو آغاز کنیم، خبر رسید که کدخدا چه نشستی که حاجی رو میخوان استیضاح کنن.

گفتیم حاجی کیه؟ گفتند بابا از همه جا بی‌خبر، حاجی همون مهندس محمدرضا خان اسکندری یه دنده است که حرف حرف خودشه. همونی که اهل بهبهونه و وزیر جهاد کشاورزیست.

تا اینو شنیدم از جا پریدم و گفتم خوبش شد، تا اون باشه که دیگه اجازه نده قیمت خرید تضمینی برای دو سال پشت‌سر هم ثابت بمونه، تا اون باشه که از ضعف مکانیزاسیون در سخنرانی‌هاش چیزی نگه به خیال اینکه کسی نمی‌فهمه، تا اون باشه با دخالت در کار زعفرون قیمت زعفرون را از ریخت و قیافه نندازه، تا اون باشه که...

خانوم والده پرید وسط معرکه و گوش منو کشید و یه نیشگون با حال هم گرفت و گفت که اگه اینجوری میخوای کدخدایی کنی شیرم را حلالت نمی‌کنم.

گفتم: مامان خانوم جون اصلا مگه تو به من شیر دادی؟ آقاجون خدابیامرز که می‌گفت چون مریض شده بودی خیلی سخت، برای من دایه گرفته بود، شیر دایه را حلال نمی‌کنی؟ بعدش برای چی عصبانی شدی؟

اونوقت بود که مامان خانوم جون یه ذره خودشو جمع و جور کرد و دست منو گرفت و برد یه گوشه و سه چهار دقیقه‌ای در گوش من یه چیزایی گفت که داشتم شاخ در می‌آوردم و پس از تموم شدن صحبت‌های مامان خانوم و دوباره مثل فشنگ از جا پریدم و گفتم که، مگه شوهرته؟ اهل محل که شاهد ماجرا بودند، پرسیدند چی کدخدا؟ گفتم اینکه می‌خوان وزیر رو استیضاح کنن. مردم که از رفتار من حیرون شده بودند همین طور هاج واج منو نگاه می‌کردند که گفتم: بله قبول دارم که این جناب اسکندری یه کارهایی کرده که اوضاع کمی قمر در عقرب شده، قول‌هایی داده که توش مونده، کارهایی کرده که نباید می‌کرده، اما اینکه چند تا مدیر دولتی از گود بیرون مانده بخواهند نمایندگان مجلس رو که می‌دونند انتخابات هم نزدیک است آنتیریک کنند تا علیه این بچه شهرستونی که سیاستمدار هم نیست و اهل لابی بازی هم نیست، امضا جمع کنند و کارش را در مجلس تموم کنند خیلی بی‌انصافیه.

وقتی تو چشم مردم نگاه کردم احساس کردم که مسیر را دارم درست می‌رم به همین جهت آب دهنم را قورت دادم و گفتم: همون قدر که اسکندری در ماجراهای کشاورزی مقصر است - بماند که خیلی‌هاش ساختاری و ربطی به هفت جد هفت وزیر قبلی هم نداره و ریشه در تاریخ این آب و خاک داره - نماینده‌ها هم مقصر هستند، بلکه حتی بیش‌تر.

یکی از وسط جمعیت گفت: چرا؟ گفتم عزیزم درسته که نظارت، پرسیدن و استیضاح کردن حق مجلس و نمایندگان است، اما اگه این آقا اینقدر بد بوده که ظرف یکسال دوبار باید استیضاح بشه چرا به عنوان وزیر انتخابش کردند؟ چرا حرفاشو باور کردند؟ چرا وقتی در مورد خودکفایی وعده می‌داد همه احسنت احسنت می‌کردند و کسی قرص و محکم پاش نیستاد و نگفت نمیشه؟ چرا در تمام مراحل نظارت نکردند؟ چرا بیش‌تر سوال‌هایی که کردند یا به دوران وزارت این بنده خدا مربوط نمی‌شد یا اساسا در حوزه اختیارات و وظایف اون نبود؟ در ضمن وقتی فهمیدن که کار بلد نیست، چرا بار اولی که استیضاحش کردند دوباره بهش رای دادند؟

ادامه در صفحه ۵

گزارش «دنیای سبز» از نشست مطبوعاتی مدیران سازمان دامپزشکی کشور:

منع خرید پرندگان وحشی بدون پاسپورت و ویزا!

مصرف مرغ‌های صنعتی زیرنظر سازمان دامپزشکی منعی ندارد

■ علیرضا پورساعد

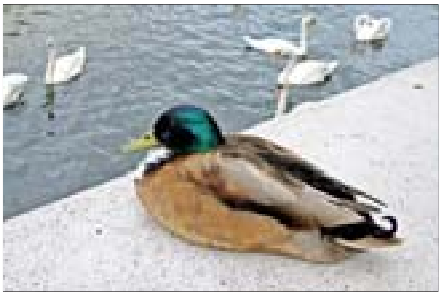

رییس سازمان دامپزشکی کشور پس از آنکه وزیر جهاد کشاورزی در نشست مطبوعاتی اضطراری سه هفته قبل و در آستانه قوت گرفتن بحث استیضاح در مجلس شورای اسلامی ترجیح داد تا خبر برطرف شدن منع صادرات میگو به اتحادیه اروپا را اعلام کند، لازم دید تا در نشستی جداگانه و مستقل ضمن تشریح جزییاتی بیش‌تر از این توفیق، نظر سازمان دامپزشکی کشور را در مورد مرگ جمعی و معروف به خودکشی جمعی آنها را در سواحل جاسک اعلام کند. نظری که بسیار مناقشه برانگیز شد و به چالش‌های جدی و لفظی شدید میان رییس سازمان و برخی خبرنگاران هم انجامید.

دکتر مجتبی نوروزی در ابتدای امر از اینکه با مذاکرات متعدد نمایندگان سازمان دامپزشکی کشور و وزارت امور خارجه ایران و نمونه‌برداری لازم از میگوها و تسویه‌حساب‌های مالی با آزمایشگاه آفسای فرانسه و دیگر آزمایشگاه‌ها و نقشه ملی NRP، از ماه ژانویه ۲۰۰۸ میلادی می‌توان به اتحادیه اروپا میگو صادر کرد، ابراز خرسندی کرد.

این خوشحالی نوروزی را می‌شد زمانی بیش‌تر حس کرد که از دستورش به همکارانش برای تهیه جزوه‌ای از کل پیگیری تیم مذاکره‌کننده ایرانی با طرف اتحادیه اروپا خبر داد!

در ادامه، وی در مورد بحث مرگ دسته‌جمعی دلفین‌ها در سواحل جاسک هم اعلام کرد: بازدیدها و نمونه‌برداری‌های کارشناسان سازمان دامپزشکی نشان می‌دهد دلیل مرگ دلفین‌ها اختلال در سیستم ره‌یافت این جانوران بوده است.

وی با بیان اینکه به دلیل ماسه‌ای بودن سواحل بندر جاسک ۸۰ درصد از امواج ساطع شده از ملون دلفین‌ها گرفته شده و باعث به خشکی آمدن این پستانداران دریایی شده است، افزود: با توجه به اینکه پاییز زمان مهاجرت محلی دلفین‌ها بوده و این تلفات هم در پاییز رخ داده، به ساحل آمدن آنها با توجه به سواحل ماسه‌ای و نقشه توپوگرافی چندان غیرطبیعی نیست.

این موضع سازمان دامپزشکی کشور برای چند خبرنگاری که به طور ویژه روی سوژه مرگ دلفین‌ها کار کرده‌اند قانع‌کننده نبود، به‌ویژه آن هنگام که برخلاف موضع دکتر عزیززاده، مدیرکل دفتر بهداشت و مبارزه با بیماری‌های آبزیان سازمان دامپزشکی کشور که در هنگام ارایه گزارش موضع سازمان دامپزشکی را مرتبط با سری دوم مرگ دسته جمعی دلفین‌ها دانست، رییس سازمان دامپزشکی کشور به دنبال پافشاری خبرنگاران عنوان کرد: «در سری اول هم همین نظر را تایید می‌کنیم!» موضعی که به تشدید اعتراض‌ها انجامید. اعتراض‌هایی که با اعلام جراحت و شکستگی دلفین‌های مرده در سری اول به اوج ابهام رسید.

ابهامی که ناشی از تناقض‌های به‌وجودآمده، مواضع اخیر نمایندگان موسسه IUCN در مورد همکاری نکردن سازمان دامپزشکی کشور، شرکت نداشتن سازمان دامپزشکی کشور در همایش مرتبط با دلفین‌ها بود و اگرچه رییس سازمان دامپزشکی کشور و مدیر کل دفتر بهداشت و مبارزه با بیماری‌های آبزیان کوشیدند تا هر یک از موارد یادشده را رد کنند، اما ماجرا ختم به خیر نشد تا پس از اینکه خبرنگار «دنیای سبز» اصل شائبه پیش‌آمده در مورد ملاحظه‌کاری سازمان دامپزشکی کشور در مقابل سازمان شیلات ایران

> جزوه‌ای کامل از کل پیگیری تیم مذاکره‌کننده ایرانی با اتحادیه اروپا در مورد صادرات میگو منتشر می‌شود

> دلیل مرگ دلفین‌ها اختلال در سیستم ره‌یافت آن‌ها عنوان شد

را که هر دو زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی هستند پیش کشید و رییس سازمان دامپزشکی کشور هم با گفتن اینکه «بینی و بینا... هیچ فشاری از جانب سازمان شیلات به ما وارد نشده است» موضوع این بحث را که حداقل یک‌سوم نشست را به خود اختصاص داده بود را به گفت‌وگوی اختصاصی خبرنگاران علاقه‌مند و مدیرکل دفتر بهداشت و مبارزه با بیماری‌های آبزیان ارجاع داد.

بحث آنفلوآنزای پرندگان هم جزو سوژه‌های داغی بود که خبرنگاران جویای وضع حاکم بر کشور شدند و نوروزی چنین گفت: تاکنون ۷۱ کشور موارد بیماری را به سازمان جهانی بهداشت دام (OIE) اعلام کرده‌اند که در این میان ۲۵ کشور آلودگی طیور آنها شامل طیور اهلی نیز بوده است.

به گفته وی که طبق گزارش OIE که روی سایت آن قابل مشاهده است، تاکنون ۱۲ کشور نیز اعلام کرده‌اند که از بیماری پاک شده‌اند.

نوروزی با بیان اینکه در مورد ایران هم آلودگی طیور وحشی (چند مورد قوی وحشی در تالاب انزلی) گزارش شده بود، افزود: مهاجرت پرندگان وحشی به کشورها نیاز به ویزا و پاسپورت ندارد، بنابراین مردم باید از خرید و فروش پرندگان وحشی آبزی و خشکزی خودداری کنند، چراکه احتمال آلودگی پرندگان وحشی بیش‌تر است.

وی با بیان اینکه که از مدت‌ها پیش صید پرندگان وحشی در استان‌های شمالی ممنوع شده است، در پاسخ به پرسش خبرنگاری که دلیل واکسینه‌نکردن طیور صنعتی کشورمان علیه آنفلوآنزای فوق حاد پرندگان (H_5N_1) را همچون برخی کشورها پرسید، گفت: واکسینه کردن طیور صنعتی علیه این بیماری بسیار پیچیده و تخصصی است و نبود امکانات آن به طور کامل موجب بروز مجدد بیماری به شکل حادتر می‌شود.

نوروزی با یادآوری تمهیداتی که سازمان دامپزشکی اندیشیده نظیر تشکیل کمیته تخصصی طیور، ستاد ملی کنترل پیشگیری با حضور وزیران مرتبط، اعمال نظام مراقبت، پایش و بازدید از مراکز پرورش طیور و محل تجمیع پرندگان و... افزود: سازمان دامپزشکی جهت پیشگیری از بروز کوچک‌ترین مشکل به رغم هزینه تحمیلی بیش‌تر هرگونه موارد مشکوک را اعم از اینکه آنفلوآنزای فوق حاد پرندگان باشد یا هر نوع بیماری تنفسی دیگر معدوم می‌کند و منتظر جواب نمونه‌های ارسالی به آزمایشگاه فرانس جهانی نمی‌ماند.

نوروزی با بیان اینکه چند واحد مرغداری در استان تهران نیز به‌تازگی به دلیل مشکوک بودن معدوم شده است و نمونه‌ها به دلیل مصادف شدن با سال نو میلادی و تعطیلات کریسمس برگشت خورد، اما به زودی ارسال و نتیجه آن اعلام خواهد شد.

> صدور پروانه جدید واحد مرغداری در دو استان شمالی مازندران و گیلان ممنوع شده است

> هرگونه واحدهای مشکوک به بیماری تنفسی پیش از جواب آزمایشگاه رفرانس معدوم می‌شود

وی با بیان اینکه با همکاری معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی صدور پروانه جدید برای احداث واحدهای جدید در دو استان شمالی گیلان و مازندران ممنوع شده است، افزود: البته سازمان دامپزشکی کشور صید پرندگان وحشی در استان‌های شمالی را نیز ممنوع کرد و با متخلفان برخورد قضایی می‌کند.

وی با به کاربردن تعبیر سربازان گمنام برای معدود دامپزشکان فعال در امر پیشگیری و مبارزه با موارد مشکوک گفت: کمبود سه هزار دامپزشک متخصص در پیکره سازمان دامپزشکی نکته حایز اهمیتی است که امیدواریم با تامین اعتبار آن اندکی از مشکلات حاد نیروی انسانی سازمان برطرف شود.

به گفته نوروزی به رغم کمبود نیروی انسانی طی ۹ ماه امسال پایش واحدها و مراکز تجمع طیور صنعتی و وحشی نسبت به سال گذشته ۲۱۱ درصد افزایش یافته است.

دکتر وارسته‌نژاد، معاون تشخیص و درمان سازمان دامپزشکی اعلام کرد: دستورالعمل‌های جدیدی برای ساماندهی توزیع دارو براساس وظایف حاکمیتی و نظارتی سازمان تهیه و در حال ارسال به استان‌هاست.

وی افزود: طرح توسعه عملیات مبارزه با بیماری بروسلوز، تب برفکی، سل گاوی، هاری، نیوکاسل و طاعون نشخوارکنندگان کوچک در حال اجراست که در این طرح امکان استفاده از خدمات غیردولتی دامپزشکی در زمینه مبارزه با بیماری‌های دامی و مشترک اعم از واکسیناسیون، نمونه‌برداری، تشخیص فراهم شده که حجم این عملیات نسبت به سال گذشته رشد چشمگیری داشته است.

وی‌افزود: واکسیناسیون علیه بیماری بروسلوز ۱۸۰ درصد، واکسیناسیون علیه بیماری هاری ۱۴۰ درصد، علیه بیماری تب برفکی ۱۳۰ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته است.

وارسته‌نژاد ادامه داد: ۱۰ مورد آزمایشگاه رفرانس در سطح کشور در نظر گرفته شده که به آخرین روش‌های روز دنیا مجهز خواهند شد.

معاون تشخیص و درمان سازمان دامپزشکی کشور گفت: اساس توسعه و توجه در بحث تشخیص و درمان بخش خصوصی بوده است و تلاش می‌شود از نظر تسهیلات و مقررات آزمایشگاه‌های بخش خصوصی تقویت شوند.

وی اعلام کرد: ۳۰ آزمایشگاه دولتی و ۲۲۰ آزمایشگاه بخش خصوصی در سطح کشور فعال هستند که استانداردهای این آزمایشگاه‌ها در حال تدوین و تاکنون ۸۰ استاندارد به آزمایشگاه‌ها ابلاغ شده است.

وارسته‌نژاد، آموزش افراد در این آزمایشگاه‌ها را بسیار حایز اهمیت دانست و گفت: توسعه درمان در همه نقاط کشور به جز موارد خاص به بخش خصوصی واگذار شده است.

وی تمام مراحل و مقررات دارو اعم از ثبت، ساخت و تولید، پخش و عرضه دارو و واکسن را در حال بازنگری عنوان کرد و افزود: مقررات واردات دارو و واکسن، اصلاح، مقررات پخش دارو تکمیل و ابلاغ شده است. همچنین مقررات عرضه دارو و واکسن توسط کمیته‌ای با حضور نمایندگان وزارت بهداشت، کارشناسان فنی سازمان دامپزشکی و اساتید دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران و... در حال بازنگری است.

در حاشیه

شوخی بی‌موقع!

وقتی رییس سازمان دامپزشکی کشور در حال نشان دادن اسلایدهای مرتبط به وضعیت آنفلوآنزای فوق حاد پرندگان در دنیا براساس نقشه OIE بود و اسامی ۴۷ کشوری که در آنها بیماری مشاهده شده را قرائت کرد یکی از خبرنگاران گفت: «امکان دارد یک بار دیگر بخوانید!» شوخی که پس از خنده حاضران موجب شد تا نوروزی هم در مورد اسلاید بعدی از قرائت اسامی سایر کشورها صرف‌نظر کند!

سربازان وظیفه در خدمت دامپزشکی

یکی از خبرنگاران حاضر در جلسه که دامپزشک هم هست جویای سرنوشت تجمع اعتراضی ۴۰ نفر از کارکنان سازمان دامپزشکی شد که مشمول تعدیل نیرو شده‌اند. نوروزی هم ضمن تشکر از این پرسش گفت: این همکاران زحمتکش در قالب ماده ۸۸ بخش خصوصی و برای خدمت کار معین جذب شده بودند، اما به دلیل ارتباط های اداری تصور می‌کردند استخدامی هستند. ما هم ترجیح می‌دهیم این نیروها را از دست ندهیم، اما متاسفانه ردیف اعتباری آن هنوز مشخص نشده است. در این لحظه نوروزی که مشخص بود از کمبود نیروی انسانی در حوزه دامپزشکی ناراضی است گفت: حتی ما در برخی موارد از سربازهای وظیفه استفاده می‌کنیم.

تاخیر ۳۵ دقیقه‌ای!

نشست مطبوعاتی و رادیو- تلویزیونی رییس سازمان دامپزشکی کشور با ۳۵ دقیقه تاخیر نسبت به ساعت تعیین شده (۱۳/۰۰) آغاز شد. اما برخلاف نشست‌های پیشین که جلسه ناتمام پایان می‌یافت این بار قریب سه ساعت طول کشید و رییس سازمان و مدیرانش پس از پایان مصاحبه در حاشیه نیز به گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگاران پرداختند.

من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق

احتراما، بدینوسیله از کلیه عزیزان و سروران گرامی به ویژه روحانیت معظم، معاونین محترم وزیر، روسای محترم سازمان‌ها، مراکز و موسسات، مشاوران، مدیران کل، کارشناسان و کارکنان محترم وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و صنایع و معادن و سایر دستگاه‌ها، روسای محترم، معاونین صنایع و توسعه روستایی و مدیران صنایع کشاورزی سازمان جهاد کشاورزی استان‌ها، مدیران عامل محترم شرکت‌ها و کارخانجات صنایع‌غذایی، مجمع تشکل‌های صنایع غذایی کشور و سایر دوستان و آشنایان که به انحاء مختلف بذل محبت فرموده و با ارسال پیام تسلیت، تاج گل و شرکت در مجلس ترحیم پدر همسر اینجانب «مرحوم مغفور حاج محمدجواد شایگان» پدر شهید بزرگوار جهانگیر شایگان به این مجلس یادبود معنویت خاص بخشیده و موجبات تسلی خاطر این حقیر و سایر بازماندگان را فراهم نمودند، صمیمانه قدردانی و تشکر می‌نمایم. از آنجاکه به لحاظ تالمات روحی امکان پاسخگویی به پیام‌ها و شرفیابی حضور تک تک عزیزان و سروران گرامی فراهم نمی‌باشد، عذر اینجانب را پذیرا باشید. در پایان از خداوند متعال مسئلت دارم تا توفیق شرکت در مجالس شادی شما سروران گرامی را به این حقیر عنایت فرماید.

عباسعلی پاک‌نژاد

برداشت

جنگ پسته

■ معید مهدی‌زاده

سال گذشته ارزش صادرات پسته ایران از مرز یک میلیارد دلار گذشت و گفته می‌شود که وضعیت تولید امسال نیز خوب است و صادرات آن نسبت به سال قبل رشد خواهد داشت، در چنین شرایطی اگر کسی بخواهد از وضعیت پسته نگران باشد شاید کمی عجیب و حتی غیرطبیعی باشد، اما واقعیت این است که با وجود تمام حرف و حدیث‌های قشنگی که در مورد پسته زده می‌شود وضعیت تولیدی و بازرگانی این محصول ارزشمند چندان خوب نیست و اگر امروز نگران آن نباشیم شاید فردا برای نگرانی خیلی دیر باشد.

پسته ایران امروز در بحث تولید و بازرگانی با چالش‌های زیادی مواجه است، اما به دلیل آنکه فعالان این عرصه خود را درگیر چالش خود ساخته کرده‌اند و تمام انرژی خود را معطوف یک جنگ داخلی بی‌حاصل کرده‌اند از سایر مسایل غافل شده‌اند و شاید روزی این گروه به خود آیند که دیگر دیر باشد و مجالی برای اصلاح امور نباشد.

این روزها بیش‌ترین انرژی فعالان عرصه تولید و تجارت پسته صرف خیک رودرویی بزرگ داخلی شده است. اعضای شرکت تعاونی تولیدکنندگان پسته به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین تشکل‌های پسته که تا پیش از این مورد حمایت جدی دولت‌ها بودند با روی کار آمدن دولت نهم ناگهان خود را تنها یافتند و دیگر از حمایت‌های سابق چیزی عایدشان نشد، چرا؟

پاسخ خیلی ساده است؛ اولا که مسوولان وزارت جهاد کشاورزی هر چند که بر زبان نمی‌آورند، اما در نهان معتقدند که شرکت تعاونی تولیدکنندگان پسته رفسنجان دیدگاه‌های خاص سیاسی هستند، دیدگاه‌هایی که با شرایط امروز و دولت حاکم چندان سازگار نیست. دلیل دوم که البته بر زبان جاری می‌شود مربوط به ایجاد انحصار در بازار توسط شرکت تعاونی است. مسوولان وزارت جهاد کشاورزی معتقدند که شرکت تعاونی بازار پسته را انحصاری کرده و اجازه رقابت سالم را به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی نمی‌دهد، ضمن آنکه اعضای شرکت تعاونی به یک اندازه از امکانات برخوردار نمی‌شوند و گاه به‌جای پول مجبورند کالاهایی را که توسط سران شرکت تعاونی وارد شده را قبول کنند، پس نباید این گروه از امکانات دولتی بهره ببرند چراکه علاوه بر آنچه در مورد عملکرد این تشکل گفته شده آنها تسهیلات دریافتی را نیز تمام و کمال باز پرداخت نکرده‌اند و این رویکرد آغاز جنگی شد که دو سال است ادامه دارد.

اعضای تعاونی با توجه به پشتوانه فردی خود- تعاونی تولیدکنندگان پسته رفسنجان حدود ۷۵ هزار عضو دارد- با تجمع، تحصن و امضای طومارهای چند ۱۰ متری مسوولان وزارت جهاد کشاورزی را تحت فشار قرار می‌دهند به طوری که امسال نیز یک طومار ۸۰ متری برای رییس‌جمهوری ارسال کردند و خواستار حل مشکل کمبود نقدینگی شدند.

در نقطه مقابل هم مسوولان وزارت جهاد کشاورزی علاوه بر قطع امکانات دولتی با حمایت‌هایی که از یک شرکت تازه تاسیس به نام شرکت ملی پسته ایرانیان به عمل آوردند، عملا از دو جهت اعضای تعاونی رفسنجان را تحت فشار گذاشته‌اند، به طوری که هم‌اکنون اعضای تعاونی هم از امکانات و تسهیلات دولتی بی‌بهره هستند و هم با یک رقیب جدی که برای شکستن انحصار آنها وارد میدان شده روبه‌رو هستند، در حالی که مشکل پسته ایران وجود تعاونی رفسنجان نیست، هرچند که ایجاد انحصار و زیاده‌خواهی امری پسندیده نیست، اما واقعیت این است که مشکل پسته ایران این روزها افت سفره‌های زیرزمینی آب، هجوم آب‌های شور به منابع آب شیرین، کمبود امکانات نگه‌داری، بسته‌بندی و حمل‌ونقل مناسب از یکسو راست و از سوی دیگر سخت‌گیرهای بیش از حد اتحادیه اروپا در مورد میزان سم افلاتوکسین، مقررات سخت‌گیرانه کدکس که از سال آینده میلادی لازم الاجرا می‌شود، رشد تولید پسته در آمریکا و رقابت جانانه آمریکایی‌ها برای تصاحب سهم بازار ایران با استفاده از تمام ابزارهای سیاسی و تجاری و همچنین فعالیت‌های چین برای تولید پسته از سوی دیگر از جمله چالش‌های بیش روی پسته ایران است و مسوولان فعالان این بخش به‌جای پرداختن به این مباحث فعلا درگیر یک جنگ تمام عیار و البته بی‌حاصل برای اثبات خود به رقیب هستند، غافل از آنکه اگر آمریکایی‌ها در بازار، قدرت بگیرند، نتوانیم خواسته‌های اتحادیه اروپا و مقررات کدکس را اجرایی کنیم و فکری اگر برای حل بحران آب باغ پسته نشود این جنگ داخلی حتی در صورت پیروزی هر یک از طرفین دیگر سودی نخواهد داشت، چراکه هم تولید با بحران مواجه می‌شود و هم دیگر بازاری نیست که بخواهیم بر سر تصاحب آن با یکدیگر بجنگیم. امسال را مقام معظم رهبری سال «وحدت ملی و انسجام اسلامی» نامگذاری کردند و از آنجایی که هر دو گروه هم خود را ملزم به اجرایی کردن فرامین مقام معظم رهبری می‌دانند شاید بد نباشد به‌جای جنگ با یکدیگر با انتخاب یک حکم مرضی‌الطرفین رو در روی یکدیگر نشسته و حد و حدود خود را مشخص کرده و در جهت رفع سوتفاهم‌ها به خاطر حفظ منافع ملی بکوشیم و کمر همت برای حل مشکلات داخلی و خارجی پسته ببندیم و اجازه ندهیم که بیگانگان به‌خاطر ندانم‌کاری‌های ما به جایگاه رفیع پسته ایران خدشه وارد کنند. یادمان باشد که روزگاری زیره، زعفران و فرش ایران سربر آسمان بازارهای جهانی می‌سائیدند، اما امروز....

باید از شکست‌ها عبرت بگیریم و خود را ملزم به حفظ منافع کنیم، باید نشان دهیم که آنقدر بزرگ هستیم که به‌خاطر منافع ملی و حفظ و جایگاه ایران در بازارهای جهانی می‌توانیم از منافع زودگذر شخصی و حزبی بگذریم. امروز اگر به هوش نباشیم، افسوس خوردن فردا به طور قطع بی‌نتیجه است.

WWW.DONYAYESABZ.COM